

تهران در خیابان کارگر (امیرآباد) شمالی به غذای غیرقابل خوردنی که به آنها عرضه شده بود اعتراف می‌نمایند و غذای بادر می‌ریزند و در یک اجتماع چند صد نفری به شرایط بد خوابگاهها و غذایی که به دانشجویان می‌دهند شکایت می‌کنند. این اعتراف‌ها مرد توجه واقع نمی‌شود و سه شب ادامه می‌یابد. در ساعت ۹/۵ سومین شب بوسیله نیروهای ضدشورش که وارد محوطه خوابگاه و بعضی ساختمانها می‌شوند دانشجویان مورد حمله قرار می‌گیرند. دهها نفر مصدوم و مجروح می‌شوند که تا صبح روز بعد اجازه آنها را به بیمارستان نمی‌دهند. به گفته شاهدان حدود ۲۰ (بیست) دانشجو هم بازداشت می‌گردند. اینجا هم حقوق پسرپایمال می‌شود. اینان خواستی صنفی داشتند و تندترین شعار آنان درخواست برکناری رئیس دانشگاه تهران به دلیل بی‌کفایتی و عدم توانایی در اداره دانشگاه بود. ولی حکومت بارها نشان داده است که با خواستهای صنفی نیز با خشونت با ترتیب شیوه‌ها مقابله می‌کند یا موردی دیگر ممانعت از پرپایمال مراسم یادبود خانم‌بی نظیر بتواست که از سوی جبهه ملی ایران دعوت به عمل آمده بود که باستن در مسجد حاضران را با خشونت پراکنده ساختند.

مواردی که نوشته شد نشان دهنده چگونگی برخورد صاحبان قدرت با مردم ایران است با این اوضاع و احوال آقای احمدی نژاد سخن از دمکراسی در ایران می‌گوید و آقای خاتمی در سفری به خارج از کشور، ایران را در دمکراسی نمونه می‌نامد! هر چند جای شگفتی نباید باشد که این دواز دمکراسی بیگانه‌اند.

مشکل بزرگ میهن مانادیده گرفتن حقوق فردی و اجتماعی ملت ایران است و حاکمیت جمهوری اسلامی سالهای است با نقض حقوق اساسی ملت تلاش می‌کند هرگونه ندای حق طلبانه را در سینه‌ها خاموش کند. پای بند بودن به حقوق پسرگامی است اساسی به سوی سعادت و سرافرازی ملت ایران که امروزه مردم ایران را نصیبی از آن نیست.

نقض حقوق بشر در ایران همچنان ادامه دارد

خبرهای نگران کننده است. می‌گویند زندانیان عقیدتی خودکشی کرده‌اند. به چند گزارش خبری در روزهای اخیر نگاه کنیم: ابراهیم لطف‌اللهی دانشجوی سال چهارم رشته حقوق دانشگاه پیام نور سنترج در پی ۹ روز بازداشت در زندان خودکشی کرد! مقامات بازداشتگاه به خانواده او خبر خودکشی را اعلام کردند و هنگامیکه اعضا خانواده برای گرفتن پیکر بی جان فرزند خود مراجعت نمودند آنرا به جایی که گفتند گور ابراهیم لطف‌اللهی است و با سیمان پوشیده شده بود راهنمایی کردند. خانواده وی در خواست نیش قبر و کالبدشکافی جسد را بوسیله پزشکان قانونی مورد اعتماد خود کردند که پاسخی نگرفتند. گروههای مدافع حقوق بشر جهانی به حمایت خانواده لطف‌اللهی تقاضای تحقیق درباره علت مرگ را نمودند، آنهم بی جواب ماند. خانواده لطف‌اللهی در اطلاعیه‌ای از افراد خانواده، بستگان و دوستان دعوت به شرکت در مجلس ترحیمی کردند که بنابود در مسجدی واقع در شهر سنترج برگزار شود، در مسجد بروی مردم بسته شد و ماموران اطلاعاتی و گروه فشار از نزدیک شدن مردم به محل مراسم ترحیم ممانعت کردند.

مجامع حقوق بشر پیامهای برای سوگواران این دانشجوی کرد فرستادند که چون پیام آقای ادیب برومد رئیس شورای مرکزی جبهه ملی ایران ناخوانده ماند.

اگر علت مرگ ابراهیم لطف‌اللهی و خانم دکتر زهرا بني یعقوب چند روز پس از بازداشت به اظهار مسئولین خودکشی باشد و یا نگاهی به گذشته نزدیک اکبر محمدی و خانم زهرا کاظمی خود عامل مرگ خود بوده‌اند درست باشد باید پرسید چه شرایطی در بازداشتگاهها حاکم است که افادی بارویه‌ای قوی تاب تحمل آن راندارند و به مرگ پنهان می‌برند؟ و یا اگر بر اثر شکنجه باشد، آیا این امور نقض آشکار حقوق بشر نیست؟ و در حادثه‌ای دیگر؛ از شامگاه پنجم بهمن ۸۶ دانشجویان مقیم خوابگاه‌کوی دانشگاه

نبوغ و درایت و کارданی سیاستگزاران اقتصادی جمهوری اسلامی را ملاحظه کنید. بدون شرح

ردیف	هزینه‌های اساسی مردم	ارزش در سال ۱۳۵۶	ارزش در سال ۱۳۸۶	ضریب افزایش قیمت
۱	یک کیلو گوشت گوسفتند	۱۳۰ ریال	۹۰۰۰۰ ریال	۶۰۰ برابر
۲	یک کیلو مرغ	۱۰۰ ریال	۲۰۰۰۰ ریال	۲۰۰ برابر
۳	یک کیلو برنج گلاب	۷۰ ریال	۲۳۰۰۰ ریال	۳۲۰ برابر
۴	یک لیتر بنزین	۱۰ ریال	۱۰۰۰ ریال	۱۰۰ برابر
۵	یک عدد نان سنگک	۴ ریال	۲۰۰۰ ریال	۵۰۰ برابر
۶	یک دستگاه ماشین ساخت کارخانه ایران ناسیونال	۴۰۰۰۰ ریال	۱۲۰۰۰۰ ریال	۳۰۰ برابر
۷	یک بسته سیگار خارجی	۲۰ ریال	۱۰۰۰۰ ریال	۵۰۰ برابر
۸	یک کیلو پرتقال درجه یک	۳۰ ریال	۲۰۰۰۰ ریال	۶۶۶ برابر
۹	یک کیلو پنیر	۲۰۰ ریال	۷۰۰۰۰ ریال	۳۵۰ برابر
۱۰	یک کیلو موز	۳۰ ریال	۱۱۰۰۰ ریال	۳۷۰ برابر
۱۱	یک نسخه از روزنامه‌های مختلف	۵ ریال	۱۵۰۰ ریال	۳۰۰ برابر
۱۲	یک عدد بليط اتوبوس داخل شهری	۲ ریال	۱۰۰۰ ریال	۵۰۰ برابر
۱۳	یک دلا ر آمریکا	۷۰ ریال	۹۳۰ ریال	۱۳۳ برابر
۱۴	کرایه یک آپارتمان ۱۰۰ متری در محل متوسط شهر	۱۲۰۰۰ ریال	۱۲۰۰۰۰ ریال	۱۰۰ برابر
۱۵	یک پاکت شیر پاستوریزه	۱۰ ریال	۷۰۰۰ ریال	۷۰۰ برابر